

۲۲ ۱۴۷۸۱



گردان‌های غیر سازمانی بلال

شرح مستند از گردان‌های ۸۲۱ و ۸۳۱ غیرسازمانی بلال از یگان‌های نزاجا در اصفهان

اسفند ۱۳۶۰ تا آبان ۱۳۶۱

تدوین: سرهنگ خلبان حسینعلی خلیلی

سرشناسه	: خلیلی، حسینعلی، ۱۳۲۵-
عنوان و نام پدیدآور	: گردان‌های غیرسازمانی بلال: شرح مستند از گردان‌های ۸۲۱ و ۸۳۱ غیرسازمانی بلال از یگان‌های نژاد در اصفهان اسفند ۱۳۶۰ تا آبان ۱۳۶۱ / تدوین خلبان حسینعلی خلیلی؛ بررسی اولیه و نهائی ناصر آراسته، سیدحسام هاشمی؛ ویرایش و امور شکل‌دهی کتاب نجاتعلی صادقی گویا.
مشخصات نشر	: تهران: ایران سبز، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: چهارده، ۱۰۲ ص.: مصور.
شابک	: 978-600-7416-79-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: ایران، ارتش، نیروی زمینی، گردان ۸۳۱ بلال
موضوع	: ایران، ارتش، نیروی زمینی، گردان ۸۲۱ بلال
موضوع	: ایران، ارتش، نیروی زمینی ۸۳۱
موضوع	: Iran, Artesh, Niruye Zamini
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- نبردها-- خطرات
موضوع	: Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Campaigns-- Diaries
شناسه افزوده	: آراسته، ناصر، ۱۳۳۱ -
شناسه افزوده	: هاشمی، سیدحسام، ۱۳۲۷-
شناسه افزوده	: صادقی گویا، نجاتعلی، ۱۳۲۷ -، ویراستار
رده بندی کنگره	: DSR1۶۲۸
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۲.۰۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۷۲۸۷۹۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

گردان‌های غیرسازمانی بلال

تدوین: سرهنگ خلبان حسینعلی خلیلی

بررسی اولیه و نهائی: سرتیپ ستاد ناصر آراسته، سرتیپ ستاد سید حسام هاشمی

بررسی، ویرایش و امور شکل‌دهی کتاب: سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا

صفحه آرایی: ستواندوم وظیفه امین پناهی

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۷۹-۲

شمارگان: ۵۰۰

ناشر: انتشارات ایران سبز

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴۸۹۰۰۲ نمابر: ۲۲۴۸۸۶۵۰

حق چاپ برای «هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی» محفوظ است.

www.maarefjang.ir

فهرست کتاب

پیشگفتار

یازده

گاه شمار و چکیده اطلاعات عمده گردان های ۸۲۱ و ۸۳۱ بلال

۱

راهنمای حروف اختصاری مندرج در این کتاب

۵

بیان شهید صیاد شیرازی از شکل گیری گردان های بلال

۷

روایت سرهنگ نوبخانه، خلبان حسینعلی خلیلی از گردان ۸۲۱ بلال

۹

از اصفهان تا اهواز

۹

زیر امر گردان ۱۲۵ تیپ لشکر ۱۶ قرار گرفتیم

۱۲

با شهید سرهنگ مخبری به دیدار منطقه فتح المبین رفتیم

۱۵

به مرخصی رفتم

۲۰

برگشت از مرخصی ناتمام

۲۲

زیر امر تیپ ۵۵ برای عملیات بیت المقدس

۲۵

عملیات بیت المقدس

۳۲

چند خاطره

۴۷

عملیات شبانه به سمت دشمن

۴۸

روشنایی روز و دیدن پیکر شهید سیف الدین

۵۴

حدود پاسگاه زید بودیم و پاتک دشمن

۵۵

فرمانده گردان جدید

۵۹

گفت کارآموزی می کنم

۶۱

ادامه مرحله دوم عملیات

۶۹

آشنایی و گفت گو با آقای مرتضی قربانی

۸۱

انفجار گلوله توپخانه در یک متری

۸۳

دیدار سرهنگ عبادت و برادر قربانی در خط مقدم

۸۴

عنصر نفوذی عراقی

۸۷

پیام برای حرکت گردان به دار خوین

۸۸

برگشت گردان به اصفهان

۹۰

پیشگفتار

کتابی که ملاحظه می‌گردد، شرح مستند، دو گردان غیر سازمانی و پیاده سبک است که از اسفند ۶۰ تا ابان ۶۱ توسط یگانهای نزاجا مستقر در اصفهان، در دو مرحله پی در پی با استفاده از نیروی انسانی داوطلب و یا منتخب و یا بنا به دستور و نیز سلاح تجهیزات سبک موجود از یگانهای اعزام کننده شکل گرفت و هرکدام در سخت ترین شرایط و کمترین امکانات بخش کوچکی از مأموریت پدافندی و آفندی نزاجا را که در آن زمان بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر طولی و حداقل ۱۰۰ کیلومتر عرضی و یا عمقی در این خط طولی بود، بر عهده گرفتند.

این وضع در حالی بود که نزاجا، فقط حدود ۱۱۰ گردان رزمی، شامل پیاده، زرهی، و سوار زرهی داشت و توانسته بود این گردانها را در بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر خط مقدم روبه روی نیروی مقدم دشمن دفاعی، بچینند و فراتر از اندازه های علمی نظامی تقسیم نماید. سایر یگانها نیز مانند توپخانه ها، مهندسی ها، مخابراتها، یگانهای پشتیبانی و آماد و تعمیر و نگهداری و بهداری، مراکز فرهنگی، آموزشی و قرارگاهها و ستادها تا بالاترین رده در تهران، وظیفه پشتیبانی این تعداد گردان های خط مقدم را داشتند. در هر حال این مجموعه یگانها که در عقب یگانهای خط مقدم، وظیفه پشتیبانی یگانهای خط مقدم داشتند و لازم هم بودند، قادر به اجرای وظیفه خاص یگان رزمی خط مقدم نبودند و اگر بخشی از خط مقدم سقوط میکرد، این یگانها با اینکه جمعیت زیادی داشتند، قادر به اجرای وظیفه یگان خط مقدم و جایگزین آن نمیتوانستند باشند. اگر یگانی به اندازه کافی از جنس همان یگان خط مقدم، برای تقویت و یا کمک و یا ترمیم خط مقدم وارد صحنه نبرد نمی شد، متناسب با پیشروی دشمن، سایر یگانهای پشتیبانی در عمق نیز، محکوم به سقوط می شدند، این قاعده نظامی در تمام جنگها و گذشته ها حاکم بود و در جنگ هشت ساله نیز برقرار بود.

ضمناً باید توجه داشت که حدود ۱۰ تا ۱۵ گردان از ۱۱۰ گردان موجودی نزاجا، خارج از خط تماس با ارتش عراق، در مناطق داخلی کردستان و آذربایجان غربی برای برقراری امنیت در مقابله با نیروهای ضد انقلاب مسلح در مناطق داخلی، مانند پادگان های منطقه و جاده ها

و گردنه‌ها پراکنده و ماموریت واگذاری را اجرا می‌کردند. به ناچار آن چه که نزاجا برای حفظ تماس با دشمن در بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر باقی داشت، کمتر از ۱۰۰ گردان بود.

غرض از بیان فوق، آن بود که خواننده این روزگار متوجه باشد که نزاجا، در آن روزگار با آن مسئولیت سنگین، چقدر از وجود یگان رزمی لازم برای اجرای ماموریت مورد انتظار فقیر بود. این وضع در حالی بود که دشمن در همان زمان، بیش از ۳۰۰ گردان رزمی در برابر کمتر از ۱۰۰ گردان رزمی ما در اختیار داشت. ضمن آنکه گردانهای رزمی دشمن با استعداد موجودی نیروی انسانی و تجهیزات، نزدیک و یا بیش از صد درصد بود، اما گردان‌های رزمی ما با استعداد موجودی انسانی و تجهیزات با فرض خوشبینانه، بین ۶۰ تا ۷۰ درصد بود.

خواننده این روزگار، ممکن است بگوید که ما در جبهه خودی، سپاه پاسداران و بسیج هم داشتیم که که آن نیز در محاسبه و مقایسه نیروهای خودی و دشمن باید در نظر گرفته شود. باید گفته شود که محاسبه فوق مربوط به بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر طولی جبهه است که در مسئولیت نزاجا بوده و سپاه پاسداران در مورد آن مسئولیتی نداشت. سپاه پاسداران یگانهای خود را بسیج محور شکل داده بود و این یگانها با این ترتیب نمی‌توانستند همیشه پُر باشند، در شرایط مختلف، خالی و یا نیمه خالی بودند. از طرفی فرماندهان بالادستی سپاه، تمایل نداشتند، یگانهای خود را در خط دفاعی زمین‌گیر سازند. بلکه علاقه داشتند یگان‌های خود را آزاد نگه دارند تا با پُر شدن آنها، بتوانند عملیات آفندی چشمگیری را انجام دهند. هر چند که تمام عملیات‌های آفندی سپاه با پشتیبانی‌های جانبی و عمقی نزاجا با شرکت هوانیروز و توپخانه و تعدادی یگان خط مقدم در تلاش فرعی انجام می‌شد و بدون آن امکان پذیر نبود.

نزاجا در آن زمان برای آنکه تا حدودی بتواند بر تعداد یگان‌های خط مقدم بیفزاید، اقدام به تشکیل یگان‌های پیاده سبکی مانند همین گردان‌های بلال که در مجموع عمری کمتر از ۹ ماه داشتند و نیز گروهان‌های جندالله که هر کدام از یکی از مراکز آموزشی تشکیل شده بود، بعلاوه گردان‌های قدس که آنها نیز هر کدام عمری ۳-۴ ماهه داشتند، نموده بود. از آن جا که این نوع یگان‌ها دارای ساختار کامل و اساسی نبودند و از امکانات ضعیف برخوردار بودند، در نتیجه آسیب پذیری بیشتری هم داشتند و در شرایط فشار سنگین دشمن قادر به دفع فشار و حفظ موجودیت یگان نبودند. به همین جهت معمولاً این نوع یگانها در مناطق کم

خطرتر گمارده می شدند و بیشتر قادر بودند ماموریت مراقبتی انجام دهند، تا ماموریت پدافندی و آفندی سنگین و نیمه سنگین.

کتاب حاضر، آن حال و هوا و آن نقاط قوت و ضعف ها در مورد این نوع یگان های غیرسازمانی این دو گردان ۸۲۱ و ۸۳۱ غیر سازمانی به نام بلال، معلوم می نماید و فداکاری نفرات آنها را با آن شرایط و امکانات کم، تا حدود زیادی نشان می دهد.

ما در این کتاب متوجه می شویم که گردان، همراه با هرکدام از نیروهای انسانی خود و تجهیزات موجود و کسری، چه بار سنگینی را خارج از توان موجود متحمل شده و چه حجم کار ستادی از گروهان تا گردان و بعد از اصفهان تا تهران و تا بیمارستان های پراکنده و آدرس خانواده شهدا و مجروحان در تمام گستره جغرافیایی کشور بزرگ ایران داشته است.

بر خلاف معمول، تقریباً کلیه کتاب های دفاع مقدس که تا کنون منتشر شده اند زبان و توصیف کلی گویی دارند، این کتاب ضمن بیان خاطرات کلی و جزیی یکی از فرماندهان گروهان دست اندرکار گردان اول (۸۲۱)، در قسمت های دیگر کتاب، مجموعه ای از مکاتبات گردانها تا بالا دستی و تا ستاد نذا را در آن زمان، به صورت لوح فشرده پیوست کتاب، ارایه داده است.

شاید بتوان گفت در بین کتاب های منتشر شده دفاع مقدس، کتابی که اسناد و مکاتبات یک گردان را از ابتدا تا انتهای ماموریت ارائه داده باشد تا کنون تهیه و منتشر نشده اند. ممکن است عده ای از خوانندگان هم انتقاد داشته باشند که چه لزومی به ارائه این نوع نامه نگاری های معمول در کتاب می باشد؟ باید گفته شود که این نوع نامه ها و ملاحظه آنان، امروزه، چون با آن زمان فاصله زیادی نداریم و هنوز هم عده زیادی از اهالی آن زمان و این نامه ها زنده هستند، می توان گفت که یک کار معمولی اداری است و انتشار آن به این صورت لازم نیست. اما از آن زمان، هر قدر فاصله گرفته شود، ارزش محتوایی این نامه ها بیشتر و نکات بیشتری از جنبه ها و موضوعات و رویکرد های مختلف را، اهالی تحقیق و تاریخ نظامی می توانند استخراج و بهره برداری و حاصل را به نسل روزگار خود منتقل کنند.

هر چند که همین امروز هم هر کس با مطالعه هرکدام از این اسناد که به ظاهر هم هر چند ساده و جاری و روزمره می باشند، می توانند نکته هایی بیش و یا خارج از تصور دیگران استخراج

نموده و بهره برند. تاریخ هرچه بیشتر به جزئیات موضوع مورد نظر دسترسی داشته باشد، می تواند قضاوت و نتیجه گیری نماید. خوانندگان محترم، جنس این کتاب را هم برای همان تاریخی بدانند که بخواهد به جزئیات دسترسی و قضاوت خود را هرچه بیشتر به صحت و دقت نزدیک تر کنند.

سرهنگ خلبان هوانیروز، حسینعلی خلیلی در سال ۱۳۷۵ با هیئت معارف جنگ "شهید سپهبد علی صیاد شیرازی" به صورت داوطلب و غیر سازمانی همکاری می نمود و در جلسات نوبه ای همکاران که در حضور سرتیپ صیاد شیرازی که در آن زمان مسئولیت معاون بازرسی و جانشینی ستاد کل نیرو های مسلح را داشتند، شرکت می نمود. این جلسات در ساعات غیر اداری در قسمتی از یک پادگان کوچک نزااجا به نام مرکز پشتیبانی آموزش معاونت آموزشی نزااجا تشکیل می گردید. هنوز هم هیئت معارف جنگ، در همین محل، فعالیت مورد نظر شهید صیاد شیرازی را ادامه می دهد.

سرهنگ خلیلی ماموریت یافت که کپی کلیه اسناد مربوط به گردان های ۸۲۱ و ۸۳۱ بلال را از معاونت عملیات و اطلاعات نزااجا بگیرد و متحول مرکز اسناد هیئت معارف جنگ دهد. در ضمن با استفاده از آن اسناد و خاطرات خود و در صورت امکان، خاطرات همزمان، کتابی را تدوین نماید.

خاطرات مکتوب سرهنگ خلیلی و اسناد گردان های بلال از سال ۷۵ تاکنون، در مرکز اسناد هیئت معارف جنگ، برای اقدام نسبت به تدوین کتاب نگهداری شده. بالاخره در سالهای اخیر نسبت به ساخت کتاب اقدام و به شکل کنونی منتشر شد. امید است کار انجام شده برای تاریخ نظامی دفاع مقدس ماندگار و نکات مفید آن برای محققان و اهل کتاب علاقه مند، برای حال و آینده قابل استفاده باشد.

با سلام و احترام

سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا